**منطق و چرایی نابودی رژیم صهیونیستی**

**یدالله جوانی**

**چکیده**

حوادث یکسال گذشته در منطقه که با آغاز عملیات طوفان‌الاقصی ازسوی حماس علیه موجودیت رژیم صهیونیستی آغاز شد و در ادامه با ورود اضلاع مقاومت شکل جدی به خود گرفت، نشان‌ می‌دهد؛ دو سیاست و راهبرد درمقابل هم قراردارد. یکی سیاست و راهبرد غرب در حفظ رژیم صهبونیستی و دیگری سیاست و راهبرد مقاومت که محور نابودی رژیم صهیونیستی را دنبال می‌کند. غرب با تمام توان درطول ۷۵ سال گذشته و به‌ویژه یک سال گذشته، نشان داده با تمام قوت و قدرت می‌خواهد موجودیت نامشروع اسرائیل غاصب را حفظ نماید. ازطرفی مقاومت شکل گرفته تحت تاثیر گفتمان انقلاب اسلامی، مصمم به نابودی رژیم صهیونیستی و آزادی سرزمین اشغال شده فلسطین از بحر تا نهر است.

بررسی دلایل و منطق این دو سیاست و راهبرد از اهمیت بالایی برخوردار است. در این نوشتار به اجمال منطق و چرایی نابودی رژیم صهیونیستی مورد بررسی قرار می‌گیرد.در این بررسی مشخص می‌شود که دلایل و منطق نابودی این رژیم، با اهداف و دلایل ایجاد این رژیم ازسوی دولت‌های استکباری غربی ارتباط معنادار دارد.

**مقدمه:**

مبارزه مردم فلسطین با اشغالگران صهیونیست دارای یک سابقه طولانی بوده و نقطه شروع آن به آغاز اشغالگری برمی‌گردد. تا پیش از سال ۱۹۴۸ میلادی در جغرافیای سیاسی جهان، کشوری به‌نام اسرائیل وجود نداشت. بعداز جنگ جهانی دوم و درسال ۱۹۴۸ میلادی، یهودیان مهاجر به سرزمین فلسطین آمده طبق یک نقشه طراحی شده از قبل ازسوی صهیونیسم با پشت صحنه دولت‌های قدرتمند غربی مانند انگلیس، فرانسه و آمریکا، در سرزمین فلسطین اعلام دولت کرده و موجودیت کشوری به‌نام اسرائیل دراین سرزمین مطرح شد؛ و چون این طرح شیطانی اساسش ازسوی قدرت‌های غربی طراحی شده بود، این کشور و دولت در سازمان‌ملل به رسمیت شناخته شد!

مبارزات مردم فلسطین ازهمان زمان آغاز شد؛ لکن رژیم جعلی صهیونیستی به پشتوانه قدرت‌های غربی، بی‌رحمانه دست به کشتار زد و آنچه در طی یکسال گذشته و از آغاز عملیات طوفان‌الاقصی مشاهده شد از جهت کودک‌کشی و بی‌رحمی درنابود کردن و از بین بردن ساکنان غزه و لبنان و تمامی دارایی‌های آنان، این رفتار از همان ابتداء ازسوی صهیونیست‌های اشغالگر به‌نمایش درآمد.در گذر زمان و به پشتوانه حمایت‌ها، تبلیغات و سیاست‌های امپراطوری رسانه‌ای غرب، فلسطینی‌هایی که از حقوق خود، حق حیات خود و از سرزمین مادری خود دفاع مشروع می‌کردند، به‌عنوان تروریست شناخته شده و رژیم جعلی و کودک‌کش و اشغالگر صهیونیستی، یک رژیم اخلاقی و دمکراتیک معرفی گردید و از جنایات این رژیم در سرکوب و کشتار فلسطینی‌ها و آواره کردن آنان، به‌عنوان یک دفاع مشروع از موجودیت سخن به‌میان آمد و بخش عمده‌ای از غربی‌ها هم آن را باورکردند. سرکوب بی‌رحمانه فلسطینی‌ها و شکست دولت‌های عربی در دوجنگ با ارتش صهیونیستی، خط‌سازش را برای پذیرش این موجود نامشروع درمیان بخصی از فلسطینی‌ها و کشورها و ملت‌های عربی پدید آورد.

با انقلاب اسلامی و شکل‌گیری جمهوری اسلامی، پرچم نابودی اسرائیل در ایران به اهتراز درآمد و با اعلام روز قدس ازسوی حضرت امام خمینی (ره) (قدس نفسه الزکیه) و جدیت جمهوری اسلامی درحمایت و پشتیبانی از مبارزین فلسطینی، نابودی اسرائیل به یک گفتمان تبدیل شد. درطول ۴۵ سال گذشته، جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان اصلی‌ترین کشور و دولت حامی نابودی اسرائیل شناخته شده و اینک مشخص گردیده که نقش جمهوری اسلامی و نیروی قدس حامیان آنان درمنطقه، یک نقش اساسی و محوری بوده‌است.

با وقوع عملیات معجزه‌ آسای طوفان‌الاقصی ازسوی حماس و متعاقب آن اقدامات وحشیانه ارتش اسرائیل غاصب در بمباران‌ها، کشتارها و جنایت‌ها هم در غزه و هم در لبنان از یک‌سو و ورود ایران به‌صورت غیرمستقیم در این جنگ ازسوی دیگر، به این سوال باید پاسخ داد که، (منطق ایستادگی و اصرار بر نابودی اسرائیل چیست؟) آیا بهتر نیست ازطریق مذاکره و توافق، فلسطینی‌ها با صهیونیست‌ها اختلافات خود را حل کرده و درکنارهم زندگی کنند؟

اساسا موضوع فلسطین چه ارتباطی با ایران دارد که ما بخواهیم برای نابودی اسرائیل هزینه‌های سنگینی را بپردازیم؟

منافع ملی در این مبارزه کجاست؟

سوالاتی از این دست را باید به‌صورت مبنایی پاسخ داد و این نوشتار در پی پاسخ به این سوالات و همچنین اشاره کوتاه به الزامات نابودی اسرائیل است.

**اهمیت و ضرورت منطق نابودی اسرائیل کودک‌کش**

درشرایط کنونی یکی از مصادیق برجسته جهاد تبیین، موضوع فلسطین، رژیم صهیونیستی و ضرورت نابودی این رژیم، خصوصا برای جوانان است.

جنگ کنونی جبهه استکبار با جبهه مقاومت و انقلاب اسلامی، یک جنگ ترکیبی است و در این جنگ ترکیبی، جنگ شناختی از یک اهمیت راهبردی برخوردار است. دریک‌سال گذشته، عمده‌سران دولت‌های غربی اعم از آمریکا و کشورهای برجسته اروپایی، هرنوع جنایت رژیم صهیونیستی از قبیل بمباران‌ها و کشتارها و ترور رهبران برجسته جبهه مقاومت را، یک اقدام مشروع معرفی و از آن حمایت کردند. دراین راستا شبهات بسیار زیادی مطرح می‌شود که آیا اساسا این نوع مبارزه با اسرائیل، نتیجه‌بخش است؟ آیا کار حماس در عملیات طوفان الاقصی درست بود؟ آیا می‌توان اسرائیل را نابود کرد؟ آیا بهتر نیست جمهوری اسلامی به‌جای دنبال کردن ایده نابودی اسرائیل که بسیار پرهزینه و احتمالا غیرممکن باشد، به‌دنبال ساختن ایران و تامین رفاه برای مردم خود باشد؟ بنابراین درشرایطی که درفضای مجازی و رسانه‌ای، به این قبیل سوالات و شبهات دامن زده می‌شود و در ذهن مردم گره ذهنی و ابهام به‌وجود می‌آید، باید با تبیین درست و منطقی، دلایل و چرایی و امکان نابودی اسرائیل را، به‌گونه‌ای باورپذیر با رویکرد جهادی دنبال کرد. این امر یک جهاد است و با این جهاد است که می‌توان در داخل کشور، انسجام فکری و نظری روی موضوع نابودی اسرائیل ایجاد کرد. عمدتا این قبیل سوالات و شبهات برای کسانی پیش می‌آید که اهداف صهیونیسم بین‌الملل و دولت‌های غربی از ایجاد رژیم صهیونیستی در قلب و پیکره جهات اسلام را نمی‌دانند. تصور شاید این باشد که غربی‌ها صرفا به‌دنبال پایان بخشی به دور، آوارگی یهودی ها بودند و به آنان کمک کردند تا درقالب یک ملت در یک سرزمینی انسجام پیداکرده و درنهایت برای این کار، سرزمین فلسطین را انتخاب کردند. آیا داستان این است، یا واقعیت پشت صحنه چند دیگری می‌باشد؟ اسناد و مدارک تاریخی نشان می‌دهد که، ایجاد رژیم صهیونیستی در سرزمین فلسطین، بخش مهمی از یک توطئه بزرگ غرب علیه جهان اسلام، مسلمانان و ملت‌های در منطقه راهبردی غرب آسیا است.

بنابراین، موضوع اشغالگری و ایجاد رژیم جعلی صهیونیستی، منافع فلسطینی‌ها، مسلمانان، جهان اسلام و تمام کشورهای در منطقه غرب آسیا را هدف قرارداده و صرفا یک موضوع فلسطینی و یا عربی نیست. هرکس به عمق این توطئه پی‌ببرد، آن‌گاه به منطق نابودی اسرائیل دست یافته و به اهمیت و ضرورت مبارزه برای نابودی این رژیم آشنا می‌شود.

**اسرائیل غده بدخیم سرطانی است**

اگر کسی به استناد نظر تخصصی پزشکان مبتی بر آزمایش‌های پیشرفته پزشکی، متوجه وجود غده بدخیم سرطانی دربخشی از اندام خود بشود، دو راه بیشتر در پیش‌روی ندارد: ۱- با تمام توان و امکان و دارایی خود، با کمک علم پزشکی به مبارزه این غده بدخیم سرطانی برود و با نابودی و ریشه‌کنی آن از بدن خود، حیات و زندگی‌اش را حفظ کند. ۲- راه میرایی را درپیش گرفته و درنهایت تسلیم مرگ شود و به حیات و زندگی‌اش خاتمه دهد.

واقعیت آن است که وجود رژیم صهیونیستی، همانند وجود یک غده بدخیم سرطانی در پیکره امت اسلامی است. اتفاقا غربی‌ها به‌صورت هدفمند چنین غده سرطانی را در پیکره جهان اسلام ایجاد کردند. درطول ۷۵ سال گذشته، کسانی که با ماهیت این غده سرطانی آشنا شدند، خط مبارزه و نابودی اسرائیل را درپیش گرفته و کسانی هم که آشنا نشدند، درمسیر و خط سازش با این رژیم حرکت کردند.

جورج سارتن کتاب‌هایی چون تاریخ علم، مطالعه تاریخ علم و سه جلد از مجموعه نه جلدی (مقدمه‌ای بر تاریخ علم) را به نگارش درآورده است. ایشان تاریخ علم را از ابتدای تاریخ تا دوره معاصر بررسی می‌کند. او دوره شکوفایی تمدن اسلامی را یک دوره ۳۵۰ ساله درنظر می‌گیرد و می‌گوید در آن دوران مسلمانان قدرت بلامنازع جهان بودند و هیچ رقیبی نداشتند. در آن دوران اروپا در قرون وسطی به‌سر می‌برد و در جهل و تاریکی نمی‌توانست با مسلمانان رقابت کند.

در دوره درخشش اسلام، جنوب اروپا در دو مقطع زمانی و در مجموع به‌مدت هشتصد سال در دست مسلمانان بود و از هرلحاظ در اوج قدرت، علن و ثروت بود، اما شمال اروپا طی این مدت به دست کلیسا و انگلیس، آلمان و فرانسه بود و در فقر و بیماری و محرومیت به‌سر می‌برد.

**دانشمندان ایرانی و ساخت تمدن اسلامی**

یکی از دلایل دشمنی غرب با جمهوری اسلامی و ایران بعداز انقلاب اسلامی، ظرفیت‌های ایرانیان برای بنای تمدن نوین اسلامی به‌دلایل تاریخی است. این نکته در جهاد تبیین، باید برای نسل جوان به‌خوبی تشریح گردد. (جورج سارتن) دوره درخشان ۳۵۰ ساله تمدن اسلامی را به هفت دوره ۵۰ ساله تقسیم می‌کند و برای هر دوره از یک دانشمند برجسته مسلمان در یک یا چند رشته علمی نام می‌برد. قابل توجه اینکه هر هفت دانشمند مسلمان در این دوره ۳۵۰ ساله، ایرانی هستند.

جابر بن حیان پدرعلم شیمی، محمد بن موسی خوارزمی، محمد بن زکریای رازی، ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، ابوالقاء جورانی و ابوریحان بیرونی از جمله دانشمندان مسلمان ایرانی هستند که جورج سارتن از آنان به‌عنوان برجستگان دوره اسلامی نام می‌برد. ایشان در کتاب (مقدمه تاریخ علم) و ابوریحان بیرونی، به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین دانشمندان تمام دوران ۳۵۰ ساله یاد کرده و می‌گوید او یک نابغه جهانی است که هزارسال پیش در آسیای مرکزی می‌زیست و جامع علومی چون فیزیک، شیمی و نجوم بود.

**انقلاب اسلامی و آرمان تمدن‌سازی اسلامی**

بدون تردید آرمان اصلی انقلاب اسلامی، تحقق حاکمیت الهی و پیاده‌سازی اسلام با عمل به آموزه‌های اسلامی، یا همان تمدن‌سازی اسلامی به‌عنوان مهمترین گام در راستای زمینه‌سازی ظهور است. بسیار روشن است که در این مسیر، باید موانع اصلی سرراه برداشته شود و بر اساس آنچه در پیش گفته شد، وجود رژیم صهیونیستی، یکی از اهداف غرب از ایجاد رژیم صهیونیستی کشورهای غربی با شناختی که از جهان اسلام در دوره تمدن اسلامی به‌دست آوردند، بعداز غلبه بر مسلمانان طی جنگ‌های صلیبی و ایجاد ویرانی‌ها و خرابی‌ها درجهان اسلام، بر آن شدند تا کاری کنند که دیگر مسلمانان قادر به حرکت در مسیر شکوفایی و تمدن‌سازی نباشند. تجزیه امپراطوری عثمانی بعداز جنگ اول جهانی و تسلط بر مسلمانان در کشورهای مختلف در دوره قیمومیت، مهاجرت دادن یهودی‌ها از نقاط مختلف جهان به سرزمین فلسطین در خلال جنگ اول و دوم در دوره‌ای که فلسطین تحت قیمومیت دولت خبیث انگلیس بود و در نهایت اعلام موجودیت یک رژیم جعلی صهیونیستی با ایده تشکیل حکومت از رودخانه نیل در مصر تا رودخانه فرات در عراق با تصرف چندین کشور اسلامی و بخش مهمی از جهان اسلام، هدفی جز تسلط غرب ازطریق صهیونیسم بین‌الملل بر جهان اسلام ندارد، هدفی که با ایجاد اختلافات در جهان اسلام با فرقه‌سازی، راه‌اندازی جنگ میان مسلمانان به بهانه‌های مختلف، نفوذ در تمامی ساختارهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و امنیتی، جلوی هرنوع حرکت برای وحدت، پیشرفت و شکوفایی در امت اسلامی را برای همیشه تاریخ مسدود می‌سازد. آری نقشه این است و هدف اصلی از ایجاد رژیم صهیونیستی، تضمین حیات و بقای تمدن مادی‌گرایی غربی، با مسدود کردن راه برای بنای تمدن نوین اسلامی است. غربی‌ها به خوبی می‌دانند که پایان تمدن آنان، زمانی خواهد بود که تمدن برتر دیگری ظهور کند. از نظر غربی‌ها درمیان ملت‌های مختلف درجهان، تنها و تنها، این مسلمانان هستند که قدرت تمدن‌سازی برتر را دارند. آنان با شناختی که در دوره تمدن اسلامی به‌دست آوردند، نگرانی اصلی‌شان این شد که مبادا روزی مسلمانان، دوباره موفق به تمدن‌سازی نشوند و اسلام را بر جهان مسلط نمایند. ایجاد رژیم صهیونیستی ازسوی دولت‌های غربی، یعنی ایجاد مانع بزرگ بر سر راه مسلمانان جهت تمدن‌سازی و این معنای غده سرطانی بودن اسرائیل را در پیکره اسلام قابل فهم می‌کند. بنابراین نابودی اسرائیل، یعنی از بین بردن موانع بزرگی که غرب در مسیر مسلمانان برای جلوگیری از پدیدایی تمدن اسلامی ایجاد کرده است.

**ضرورت شناخت پیشینه تمدن اسلامی**

یکی از مشکلات امروز در جهان اسلام، عدم آشنایی مسلمانان و خصوصا خواص جوامع اسلامی و دانشجویان و جوانان مسلمان، با دوره درخشان تمدن اسلامی در گذشته است. همچنین عدم آشنایی موجب شده تا مسلمانان شیفته تمدن غرب شده، تصور کنند اگر بخواهند پیشرفت کنند، باید از اعتقادات دیتی و آموزه‌های اسلامی فاصله گرفته و همانند غربی‌ها فکرکنند تا پیشرفتی در کشورشان ایجاد شود! آیا غفلتی بالاتر از این می‌توان تصور کرد؟ آن هم در زمان و شرایطی که خود غربی‌ها، اساس پیشرفت‌های علمی غرب را مدیون مسلمانان داشته و اینک، به شدت نگران خیزش مسلمانان برای ساخت تمدن نوین اسلامی هستند. بنابراین ضرورت دارد مسلمانان و خصوصا اساتید و دانشجویان در کشورهای اسلامی، با پیشینه تمدن اسلامی و اندیشمندان مسلمان و درواقع با گذشته پرافتخار خود آشنا شوند. گذشته‌ای که امکان احیاء و بازیابی آن وجود دارد. به‌طور قطع غربی‌ها نمی‌خواهند که مسلمانان با این گذشته پرافتخار آشنا شوند و دلیل آن هم بسیار روشن است.

**نمایی از تمدن اسلامی در گذشته**

با اطمینان می‌توان گفت، بزرگترین و درخشنده‌ترین دوره تمدنی در تاریخ بشر، دوره تمدن اسلامی با دانشمندان برجسته مسلمان در حوزه‌های مختلف علمی است. دروغ‌پردازی غربی‌ها درموضوع تاریخ علم، موجب شده بسیاری از مسلمانان تصور کنند بیشتر علوم امروزی را دانشمندان غربی به بشریت عرضه کرده‌اند. به‌عنوان مثال درحالی که اولین پرواز انسان در آسمان ازسوی یک دانشمند مسلمان در اندلس انجام شد، ولی در کتاب‌ها، این افتخار نه برای یک مسلمان، بلکه برای برادران رایت آمریکایی ثبت شده‌است. درحالی که قوانینی چون جاذبه زمین، گرد بودن زمین، چرخش زمین به دور خورشید را مسلمانان کشف کردند، اما این موارد به‌نام دیگران غیرمسلمان ثبت شده‌است.

یکی از دلایل دروغ‌ پردازی‌های غربی درموضوع تاریخ علم و تلاش آنان برای پنهان کردن پیشرفت‌های مسلمانان در علوم و فنون، القای گزاره ناسازگاری علم و ایمان و اینکه دین و ازجمله دین اسلام عامل عقب ماندگی است. این درحالی است که اتفاقا عامل اصلی پیشرفت مسلمانان در یک دوره تاریخی که موجب شکل‌گیری تمدن اسلامی گردید، توجه کامل مسلمانان به توصیه‌های اسلام به موضوع علم و علم آموزی و ارزش علم و عالم است. در دوره تمدن اسلامی، هزاران دانشمند برجسته در حوزه‌های مختلف علمی تربیت شد. تعداد قابل توجهی از مورخین غربی و شرقی روایت‌های درست و قابل توجهی در دوره تمدن اسلامی دارند. (جورج سارتُن) که تاریخ‌نگار آمریکایی، بلژیکی است، ازنظر برخی به‌عنوان پدر تاریخ علم شناخته می‌شود.

مهمترین موانع بر سر راه ساخت تمدن اسلامی است. اساسا غرب رژیم صهیونیستی را درجهان اسلام ایجاد کرد تا مانعی بر سر راه وحدت و اعتصام مسلمانان باشد.

**وحشت آمریکایی‌ها از انقلاب تمدن‌ساز**

درطول ۴۵ سال گذشته هیچ کشوری به اندازه آمریکا با انقلاب اسلامی و ملت ایران مقابله نکرده است. آمریکایی‌ها و متحدین اصلی آمریکا، پشت سر عمده توطئه‌ها علیه اتقلاب اسلامی و ملت ایران هستند. رمز و راز همه دشمنی‌های غرب و به‌ویژه آمریکا با ملت ایران و انقلاب اسلامی، نگرانی آنان از پیشرفت ایران در مسیر تمدن‌سازی با رویکرد وحدت شیعه و سنی و اعتلای جهان اسلام است. آنان پدیدایی تمدن اسلامی با تفکر و اندیشه انقلاب اسلامی را پایان دوران سلطه غرب برجهان و آغازی بر پایان تمدن مادی‌گرای غربی می‌دانند. بنابراین تلاش می‌کنند تا ایران در مسیر پیشرفت علوم و فنون، در مسیر ایجاد وحدت میان مسلمانان و به‌دست آوردن نفوذ درمیان دیگر ملت‌های مسلمان موفق نشود. پروژه‌های بزرگ اسلام هراسی و ایران هراسی غربی‌ها در ۴۵ سال گذشته، بر اساس یک طرح ریزی راهبردی انجام شده است. پروژه‌هایی که باید افشا کرد و خنثی نمود. اسناد فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد سردمداران دولت‌های استعمارگر غربی، همواره بر یک نقطه اشتراک نظر داشته و بر آن تاکید کرده‌اند، نباید اجازه دهیم مسلمانان و ایرانیان به دوران گذشته خود که صاحب قدرت بوده‌اند، برگردند. ازجمله این اسناد، سخنان ژنرال آیزنهاور رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا است. آیزنهاور هنگامی که درسال ۱۹۵۲ میلادی به قدرت رسید، دراولین نطق بعداز رئیس جمهور شدن گفت: «گمان نمی‌کنم منطقه‌ای مهمتر از ایران روی نقشه جغرافیای جهان وجود داشته باشد. ایران دارای نفت است و در چهارراه جهان واقع شده است. نباید وضعیتی پیش آید که ایران به گذشته دور خود بازگردد و یک قدرت نظامی شود. وای به وقتی که نظامی‌گری ایرانی زنده شود، بروید تاریخ این کشور را بخوانید تا متوجه حرف من شوید».

نگرانی‌های غربی‌ها از حرکت انقلاب اسلانی تمدن‌ساز، آن‌گاه بیشتر می‌شود که جدیت جمهوری اسلامی و ملت ایران در نابودی رژیم صهیونیستی به‌عنوان مهمترین مانع در مسیر ساخت تمدن اسلامی را، به وضوح نظاره می‌کنند.

**منطق نابودی اسرائیل، همان منطق نابودی غده سرطانی است**

در منظومه فکری امامین انقلاب اسلامی، رژیم صهیونیستی به مثابه یک غده سرطانی در پیکره است و هیچ راهی جز نابودی آن وجود ندارد. ازنظر حضرت امام خمینی (ره) و حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، شرافت، عزت، سربلندی، پیشرفت، استقلال و اعتصای جهان اسلام، در گرو نابودی اسرائیل غاصب و بازگرداندن فلسطین و قدس شریف به مسلمانان است.

جمله معروف حضرت امام: قدس اله نفسه الزکیه مبنی بر نابودی اسرائیل، دلیل و منطق نابودی را در درون خود دارد، آن‌جا که آن عزیز سفر کرده می‌گوید: اسرائیل یک غده سرطانی است و باید از روی زمین محو گردد.

**منطق امام خمینی (ره) برای نابودی اسرائیل غاصب**

دراندیشه حضرت امام خمینی (ره)، رژیم صهیونیستی یک خطر و تهدید بزرگ برای کل بشریت، جهان اسلام، ملت‌های منطقه و ایران به حساب می آید. ایشان از همان آغاز مبارزه در اوایل دهه ۴۰ و درحالی که رژیم صهیونیستی بیشتر از ۱۵ سال از عمر ننگینش نگذشته بود، خطر اسرائیل را به ملت ایران و دیگر ملت‌های مسلمان گوشزد کرد. حضرت امام در یکی از سخنرانی‌های خود در تاریخ ۱۶ فروردین ۱۳۴۱ با صراحت می‌فرماید: «خطر اسرائیل و عمل ننگین آن، اسلام و ایران را تهدید به زوال می‌کند».

مواضع و سخنرانی‌های حضرت امام خمینی علیه اسرائیل در سال‌های ۱۳۴۲ و ۱۳۴۳ یکی از دلایل تبعید ایشان به خارج از ایران می‌باشد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی رهبر کبیر انقلاب، محو اسرائیل را هدف گذاری نموده و به‌صورت مستمر، خطر این رژیم سفاک و جنایتکار را به مسلمانان گوشزد نمود. حضرت امام به خوبی از اهداف و نیات دولت‌های غربی در جعل رژیم نامشروع صهیونیستی مطلع بوده، برهمین اساس معتقد به نابودی رژیم صهیونیستی و فرمودند: اسرائیل غده سرطانی است و باید از روی زمین محو گردد.

استدلال حضرت امام (ره) مبنی بر اینکه رژیم صهیونیستی یک غده سرطانی است؛ سیاست.ها و رویکردهای این رژیم و حامیان او مبنی بر توسعه ارضی و اشغال روزافزون سرزمین‌های اسلامی است.

حضرت امام در نهم شهریور 1360 می‌فرمایند: «مکرر این مساله ذکر شده‌است که اسرائیل قناعت نمی‌کند به آنجاهایی که هست قدم به قدم به پیش می‌رود و هر قدمی که رفت هی می‌گوید ما کاری نداریم. همین است. فردا قدم بالاتری برمی‌دارد، امرور لبنان است، فردا خدای ناخواسته سوریه، پس‌فردا عراق و همینطور بنابراین رهبر کبیر انقلاب اسلامی با شناخت از اهداف استعمارگران غربی در ایجاد اسرائیل غاصب، مساله فلسطین را مهمترین مساله جهان اسلام و مسلمین اعلام کرده، با نام‌گذاری آخرین جمعه ماه رمضان به‌عنوان روز قدس و فراخوان تشکیل هسته‌های مقاومت، نابودی این رژیم جعلی را به‌عنوان یک وظیفه قطعی تمامی مسلمانان ازجمله ملت و دولت ایران، هدف گذاری نمودند». درتمامی پیام‌های حضرت امام به حجاج بیت‌الله الحرام و پیام‌ها و سخنرانی‌ها به‌ مناسبت‌های مختلف، حضرت امام خمینی (ره) خطر اسرائیل را گوشزد می‌کردند و این رژیم جعلی را خطری برای موجودیت مسلمانان معرفی می‌کردند. به‌عنوان نمونه ایشان در ۳۱ شهریورماه ۱۳۶۰ فرمودند: «شما خیال می‌کنید اسرائیل قانع به این امور است؟ اسرائیل بنایش بر این است که همه این مسلمین را از بین ببرد».

**منطق رهبر حکیم انقلاب اسلامی برای نابودی اسرائیل غاصب**

در پیش از سه دهه گذشته رهبر حکیم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، در قبال موضوع فلسطین و اشغالگری رژیم صهیونیستی، مواضعی کاملا مشابه و در امتداد مواضع و سیاست‌های رهبر حکیم انقلاب اسلامی داشته‌اند.

معظم‌له خطر اسرائیل را یک خطر جدی علیه همه مسلمانان دانسته و می‌فرمایند: «نجات فلسطین و محو دولت غاصب صهیونیستی، مساله‌ای است که با مصالح ملت‌های این منطقه سروکار دارد». (۲۵/۰۸/۱۳۷۹)

رهبر معظم انقلاب اسلامی همان استدلالی را برای نابودی رژیم صهیونیستی دارند که مورد توجه حضرت امام (ره) نیز بود. در بیانی معظم له می‌فرمایند: «امام بزرگوار همان‌کسی است که درمورد مسئله رژیم صهیونیستی از هیچ‌کس تقلید نکرد؛ اینکه رژیم صهیونیستی یک غده سرطانی است و باید از بین برود، این حرف امام است». (۱۴/۰۶/۱۳۹۲)

با بررسی بیانات حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، با صراحت می‌توان گفت معظم‌له در موضوع فلسطین و رژیم اشغالگری، قدس دارای مواضع اصولی بوده و با منطق دقیق و محکم از نابودی اسرائیل سخن می‌گویند. ایشان در نهم مرداد سال ۱۳۷۰ می‌فرمایند: «موضع ما درمقابل اسرائیل، همان موضع همیشگی است. اسرائیل درمنطقه، یک غده بدخیم سرطانی است که باید قطع گردد».

این موضع معظم‌له که سیاست جمهوری اسلامی هم می‌باشد، تا به امروز با قوت دنبال شده و نتیجه‌ آن، پدیدایی یک جبهه قدرتمند مقاومت دربرابر آمریکا و رژیم صهیونیستی است. این جبهه در یک‌سال گذشته با عملیات طوفان‌الاقصی و اقدامات بعدی، رژیم صهیونیستی را باخطر موجودیت مواجه کرده‌است. اکنون صهیونیست‌ها با صراحت می‌گویند اگر نجنگیم می‌میریم و موجودیت ما در خطر است.